



## تبرئه شورش‌ی ژانویه

# وطن امروز



## خاطره‌ساز بمانید

### تیتراهای امروز

خزای اعلام کرد در صورتی که غرب مکانیسم ماشه را فعال کند، واکنش شدیدی در یافت می‌کند

## هشدار هسته‌ای

اگر ایران با تهدید وجودی مواجه شود مجبور خواهیم بود دکترین خود را تغییر دهیم



استقبال پر شور مردم تهران از خانواده‌های شهدای نبرد توفان الاقصی

## همدلی با غزه

وزیر راه و شهرسازی: تراژیت جاده‌ای در دولت سیزدهم به ۲۲ میلیون تن رسید

## گزارش

## راه‌های پیشرفت

«وطن امروز» اظهارات مشاور اقتصادی پزشکیان را تحلیل و بررسی کرد

## ستاد گرانی

تحلیل عملکرد سعید جلیلی در مناظره نخست با مسعود پزشکیان

## نقد بی‌برنامگی

۳ صفحه | ۲۰۳ | ۲۰۳ | ۲۰۳ | ۲۰۳

### دیدگاه

## به یک رئیس‌جمهور خوب رأی بدهیم

**جعفر علیان‌نژادی:** این روزها در میان برخی گفتارهای کف خیابانی، حرف از انتخاب بین بد و بدتر است. نفس وجود این گفتار در جامعه حکایت از کاهش معنای انتخابات نزد برخی اقبال اجتماعی داشته و نشان می‌دهد الگوی رای دهبی بخشی از جامعه همچنان نامعنی است. آنها نهاد دولت را نه یک امر تسهیل‌گر، بلکه مداخله‌گر می‌دانند. بنابراین معنای انتخابات برای آنها این است که باید بین مداخله کمتر و مداخله بیشتر یکی را انتخاب کنند. طبیعی است این نگاه منفی، دلایل و ریشه‌های خاص خود را دارد که در این یادداشت مد نظر نگارنده نیست. این نحوه نگرستن به صحنه انتخابات، هم به عنوان یک آسیب قابلیت مسأله‌مندی داشته و هم قابلیت نقد و تخطاب دارد. اکنون که در آستانه انتخابات مرحله دوم ریاست‌جمهوری قرار داریم، فرصتی برای آسیب‌شناسی، فهم و حل مسأله در کوتاهمدت نداریم. اما فرصت نقد و آگاهی‌بخشی در کوتاهمدت ممکن است، هر چند میزان اثرش چندان پایدار نباشد.

**نقد اول:** اساسا انتخاب به خودی خود امری منفی و سلبی نیست، بلکه به معنای وجود امکانی برای یافتن راهی بهینه و عبور از وضع فعلی به وضعی بهتر است. اگر چنین نبود اساسا میل به انتخاب به وجود نمی‌آمد. عبور از یک دولت مداخله‌گر به دولت تسهیل‌گر، یک انتخاب ایجابی و نه سلبی است. اساسا انتخاب بین یک «دولت بی‌اعتقاد به بازی دادن مردم و قیام‌باب» و یک «دولت معتقد به تسهیل‌گری و مشارکت واقعی مردم» است. نقد دوم: در میان ۲ نامزد موجود، آن نامزدی قائل و ملتزم به نقش مردم است که به دنبال رای ایجابی باشد، نه رای سلبی؛ کسی که به دنبال بسیج جامعه برای نه گفتن به نامزد دیگر نیست. در مقابل، نامزدی که به صورت مداوم به وضع بد مردم ارجاع می‌دهد و تغییرات مثبت انجام شده را نمی‌بیند، ذهنیت مردم را گرفتار انتخاب بین بد و بدتر می‌کند. او پس از رای آوردن نیز مردم را به وضع بد عادت می‌دهد.

**نقد سوم:** انتخاب بین بد و بدتر، به معنی عادت به حداقل‌ها و رفتن به سرآشویی بدترین وضعیت است. طبیعی است وقتی ذهن خود را گرفتار انتخاب بین بد و بدتر کنیم، در نتیجه انتخاب بدی خواهیم گرفت. تضمین و موضع فعال، اجازه مداخله‌گری به آنان بدهیم تا دوباره مجبور به انتخاب بین وضع بدتر شده و بدتر نشدن آن شویم. این مسیر ما را به بدترین وضعیت می‌رساند.

ادامه در صفحه ۶

### جلیلی در اجتماع باشکوه مردم خرم‌آباد

راهکار انقلابی استفاده از ظرفیت‌های داخلی برای خنثی‌سازی تحریم‌را تشریح کرد

# انتخاب خودباوری



تحلیل: علی‌نژاد/ا.ا.ا

### دولت سوم روحانی در کمین

رواحنی ندارد، با او دیدار و رایزنی کرد و روحانی حمایت خود را از وی اعلام کرد. حضور محمدجواد ظریف، وزیر اسبق امور خارجه به عنوان دست راست و تئورسین سیاست خارجی این نامزد نشان می‌دهد آقای پزشکیان در صورت پیروزی در انتخابات، دوباره کشور را بر روی ریل مورد علاقه غرب‌پرستان قرار خواهد داد. گفتگمانی که ۸ سال کشور را معطل مذاکرات کرد و توافقی منعقد کرد که دونالد ترامپ بلافاصله پس از روی کار آمدن و به راحتی هرچه تمام‌تر از آن خارج شد و دست دولت روحانی به هیچ جا بند نبود. ۲- باید روشن‌نگری کرد که تبعات منفی و زیانبار این توافق همچنان ادامه دارد و کشورهای غرب بر اساس یک بند از این توافق به نام «مکانیسم ماشه» ایران را تهدید کرده‌اند در صورت عدم تبعیت از دستورات غربی‌ها که از سوی اژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیکته می‌شود، آنها این ماشه را چکانده و تمام تحریم‌هایی که ذیل قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران است دوباره بازگردانده خواهد شد. با چنین ضعف‌ها و حفره‌های بزرگی که در متن برجام است، معلوم نیست براساس چه عقل و منطقی همچنان می‌توان از آن دفاع کرد، سسر مردم شیره مالید و آن را دستاورد (د!) خواند. با چنین تهدیدی، در صورت ورود عنصری که اویزان غرب هستند باید فاتحه بر نامه هسته‌ای کشور را به آن توجه کرد. ظریف در برنامه میزگرد سیاست

خارجی ادعا کرد افزایش میزان فروش نفت ایران در دولت شهید رئیسی اراده دولت آمریکا بوده است اما آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا در جلسه استماع کنگره آمریکا شخصا اعتراف کرد ایرانی‌ها (در دولت پساروحانی) به راه‌های بیشتری برای دور زدن تحریم‌ها و فروش مستقیم نفت خود دست یافته‌اند و کاری از آمریکا و متحدانش ساخته نیست. غرب‌گرایان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ نیز به دروغ مدعی شدند اگر شهید رئیسی در انتخابات پیروز شود در خیابان‌ها دیوار می‌کشد و کشور را وارد عوایه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌کند اما به جرات می‌توان گفت آیت‌الله شهید رئیسی و وزیر امور خارجه ایشان شهید حسین امیرعبداللهی، پویاترین دیپلماسی را در میان همه دولت‌های چند دهه گذشته اجرا کردند؛ از تنش‌زدایی با عربستان سعودی تا تعمیق روابط با چین و روسیه و عضویت در سازمان‌های بین‌المللی مهم مثل بریکس و شانگهای. ۵- خالی بودن دست پزشکیان در ارائه یک برنامه مدون و منسجم باعث شده در مبارزات انتخاباتی به وزرای دولتی تکیه کند که دستاورد آنها «تحقیقا هیچ» بوده و اکنون قصد دارند با استفاده از فضای انتخاباتی با فرافتگی، دروغ‌پردازی و مغلظه برای خود اعتبار بخزند.

### دولت چهاردهم و مسأله دفاع

بیشتر دولت و نیروهای مسلح با یکدیگر، این چالش‌ها را محدود زیادی برطرف شد که یک نمونه بارز آن انجام عملیات بی‌سابقه و درخشان «وعده صادق» (حمله سنگین موشکی و پهپادی به سرزمین‌های اشغالی در پاسخ به حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق) بود که به گواه فرماندهان عالی‌رتبه نظامی در هماهنگی کامل با دولت بویژه شهید رئیسی به عنوان رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی امنیت ملی و شهید امیرعبداللهی، وزیر امور خارجه انجام شد. شاید چندان دور از واقعیت نباشد که در صورت ادامه دولت روحانی در مقطع این عملیات، این اقدام مهم و اثرگذار (که همچنان آثار آن در سطح بین‌المللی قابل احصاست) یا انجام نمی‌شد یا لاقول به این شکل نبود، کما اینکه در موارد مشابه می‌توان مثال‌های زیادی زد. در دولت شهید رئیسی اما نه‌تنها این عملیات به بهترین و موثرترین شکل انجام شد، بلکه در داخل کشور نیز کمترین اثر (مثلا در حوزه اقتصاد و ارز) را داشت. این در حالی است که در دولت روحانی تنها در یک مورد و در جریان انجام یک رزمایش که روی موشک‌ها شعار «هرگز بر اسرائیل» نوشته شده بود، چه حواشی و تنش‌هایی درست شد و بدتر از آن، رئیس‌جمهور و وقت حتی در جریان رقابت‌های انتخاباتی نیز از آن به شکل غیرمسئولانه‌ای استفاده کرد.

مسئله بیشتر و عمیق‌تر هم شد و این مسأله در دوره دولت‌های مختلف با توجه به نگاه دولتمردان به امر دفاع، گاه دستخوش تغییر می‌شود. در طول ۳ سال گذشته و در زمان دولت شهید رئیسی، پس از ۸ سال ارتباط نه‌چندان مطلوب دولت‌های یازدهم و دوازدهم با نیروهای مسلح، این حوزه احیا شد. در واقع دولت روحانی به دلیل تمرکز کامل بر برقراری رابط با غرب، این بخش راهبردی را در برخی روندها با کندی‌هایی مواجه کرد که شاید بیش از حوزه تجهیزات، بر برخی سیاست‌های عملکردی تاثیر داشت. اگرچه نیروهای مسلح در سلسله‌مراتب رهبر انقلاب به عنوان فرمانده کل قوا تعریف می‌شوند اما رئیس‌جمهور به دلیل بر عهده داشتن ریاست شورای عالی امنیت ملی می‌تواند بر بسیاری از موارد اثرگذار باشد. کم شدن یا ایجاد تغییر در برخی برنامه‌های رزمایشی (که جزو اصول روتین و مداوم نیروهای مسلح است) از جمله این مصادیق بود که در برخی موارد تحت تاثیر سیاست خارجی دولت وقت قرار داشت و در مواقعی این اثرگذاری منفی با واکنش‌ها و انتقادات فرماندهان و کارشناسان این حوزه نیز مواجه می‌شد. با روی کار آمدن دولت سیزدهم و هماهنگی

**نگاه** | **شهاب خادم:** دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری ایران برگزار شد و هیچ یک از نامزدها موفق نشدند ۵۰ درصد آرا را کسب کنند و آقایان مسعود پزشکیان و سعید جلیلی به دور دوم راه یافتند. اکنون صحنه انتخابات شفاف‌تر و عیان‌تر شده و می‌توان راحت‌تر درباره گفت‌وگو‌هایی که در انتخابات وجود دارد و قرار است سکنان هدایت پاستور را برعهده بگیرد نظر داد و تحلیل کرد. اکنون رقابت میان ۲ گفتگمانی است که طی سال‌های گذشته نیز کم و بیش برقرار بوده اما در انتخابات کنونی بیش از پیش خود را نمایان کرده است؛ گفتگمانی که قصد دارد کشور را به دوران ۸ ساله ریاست‌جمهوری حسن روحانی ببرد و گفتگمانی که قصد دارد رویکرد آیت‌الله شهید سیدابراهیم رئیسی را ادامه دهد و در عین حال شاخ و برگ‌های جدیدی در این چارچوب به آن بیفزاید تا سرعت پیشبرد امور تسریع یابد. ۱- نامزد مورد حمایت حسن روحانی در انتخابات به وضوح اعلام کرده است مذاکره را «تنها» راه خروج از مشکلات اقتصادی می‌داند و اگر نگاهی به افرادی که در ستاد وی جمع شده‌اند بیندازیم، می‌بینیم چیزی غیر از این نیست. آقای پزشکیان درست یک روز بعد از اینکه در تلویزیون گفت دولت‌ش هیچ ارتباطی با حجت‌الاسلام حسن

**نکته** | **مهدی بختیاری:** نیروهای مسلح به عنوان مهم‌ترین رکن تامین امنیت کشور در برابر تهدیدات خارجی، ارتباط مستقیمی با دولت دارند. در واقع دولت به واسطه تعریف وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در درون ساختار خود وظیفه تامین نیازهای نظامی بویژه در بخش تسلیحات و تجهیزات را بر عهده دارد که این مسیر به ۲ شکل محقق می‌شود. نیازهای نیروهای مسلح در وزارت دفاع با باید با تکیه بر توان داخل و از طریق ساخت تجهیزات به دست متخصصان ایرانی و شرکت‌های داخلی تامین شود یا وزارت دفاع وظیفه دارد به هر شکل ممکن این تجهیزات را از خارج خریداری کرده و در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد. علاوه بر این، با تعریف سرفصل خودکفایی و تامین نیازهای اساسی در داخل (به دلیل تحریم‌های سنگین این حوزه طی چند دهه اخیر)، دولت تکلیفی شاید بیش از همه داشته باشد و این امر ارتباط مستقیم با ارتقای توان دفاعی کشور دارد. در طول چند دهه گذشته و بویژه به پایان جنگ تحمیلی که ساختار وزارت دفاع (و پیش از آن وزارت سپاه) تغییر کرد، این ارتباط میان دولت و نیروهای



بازی دادن مردم و قیام‌باب» و یک «دولت معتقد به تسهیل‌گری و مشارکت واقعی مردم» است. نقد دوم: در میان ۲ نامزد موجود، آن نامزدی قائل و ملتزم به نقش مردم است که به دنبال رای ایجابی باشد، نه رای سلبی؛ کسی که به دنبال بسیج جامعه برای نه گفتن به نامزد دیگر نیست. در مقابل، نامزدی که به صورت مداوم به وضع بد مردم ارجاع می‌دهد و تغییرات مثبت انجام شده را نمی‌بیند، ذهنیت مردم را گرفتار انتخاب بین بد و بدتر می‌کند. او پس از رای آوردن نیز مردم را به وضع بد عادت می‌دهد.

ادامه در صفحه ۶

### یادداشت روز

اصلاح‌طلبان چگونه از دولت حداقلی به وضع بی‌دولتی رسیدند؟

## دولت سوم روحانی و وضع بی‌دولتی

ابوالفضل مجاهد

چند ماه پس از روی کار آمدن دولت اعتدال، جواد غلام‌رضا کاشی، استاد اصلاح‌طلب دانشگاه علامه طباطبائی در یادداشتی برای توجیه وضع دولت حسن روحانی از ادبیات مایکل جوزف اوکشتات، فیلسوف انگلیسی وام گرفت و وضع موجود دولت را توجیه کرد. او در یادداشت خود تاکید داشت: «میانده قرن بیستمی اعتدال اوکشتات است. او سیاست‌ورزی را به آشنیزی یا کشتیرانی تشبیه می‌کند. سیاستمدار کسی است که سکانداری یک کشتی را در اختیار دارد. این کشتی نه از جایی آمده نه قصد دارد به جایی برود؛ تنها قرار است کشتی‌بان، اعتدال کشتی را در دریای پرتلاطم حفظ کند...»

این ادبیات در حالی مطرح می‌شد که اصلاح‌طلبان همواره از ایده دولت حداقلی دفاع می‌کردند و هرگونه مداخله دولت در امور مختلف مردم را برنمی‌تابیدند و آن را مخالف آزادی قلمداد می‌کردند اما با روی کار آمدن دولت حسن روحانی دیگر بحث از دولت حداقلی نیز اهمیت خود را از دست داده بود و به قول او کشتات صرف سالم نگه داشتن کشتی در دریای متلاطم برای دوستان اصلاح‌طلب دولت روحانی کافی به نظر می‌رسید. لذا با پیروزی دوباره حسن روحانی در انتخابات سال ۹۶ و ادامه یافتن ۴ ساله آن دولت، جریان اعتدال و اصلاحات نه تنها از ایده دولت حداقلی که سال‌ها بر آن تاکید داشت عبور کرد، بلکه به مرحله بی‌دولتی رسید. این بی‌دولتی خود را در حوزه‌های مختلف اقتصاد، فرهنگ، سیاست و... نشان داد آنجا که در اقتصاد دولتمردان منتظر دست ناهم‌بازی بودند تا خود را تنظیم کند و تنها نظاره‌گر تحولات بازار بودند. در حوزه فرهنگ که با ولنگاری فرهنگی مواجه بودیم و دولت تماشاجی عرصه‌های مختلف فرهنگ بود. یا در حوزه سیاست که به نوعی انسداد سیاسی رسیده بودیم و راهی برای برون‌رفت از آن قابل تصور نبود و همه چیز به مسأله مذاکره و برجام گره خورده بود. در حوزه اجتماعی هم نوعی یأس و ناامیدی در بدنه مردم حاکم بود و هر امکانی برای حرکت به جلو و تغییر شرایط را منتفی می‌کرد. لذا دولت حداقلی که روزی آرمان لیبرال‌های وطنی برای بهره‌مندی از آزادی در حوزه‌های مختلف بود، رفته رفته در دولت روحانی شکل دیگری به خود گرفت. دولت حداقلی به این معناست که دولت فقط مجموعه‌ای حمایتی است و وظیفه اصلی آن عبارت است از فراهم آوردن چارچوب صلح و نظم اجتماعی تا شهروندان بتوانند هر طور که بهتر می‌دانند زندگی خود را اداره کنند. بنا به تشبیه معروف جان لاک، دولت مانند نگهبان شب است که کار و خدمت او وقتی خواسته می‌شود که زندگی منظم در معرض تهدید باشد. در این تعریف دولت حداقلی ۲ وظیفه اصلی دارد. اول از همه، نظم داخلی را حفظ کند، سپس اجرای قراردادهای موافقتنامه‌های اختیاری بین شهروندان را تضمین کند، سپس‌تر در برابر حمله خارجی از مردم دفاع کند، بنابراین تشکیلات نهادهی دولت حداقلی به نیروی پلیس، نوعی نظام دادگستری و نوعی ارتش محدود می‌شود و این یعنی مسؤلیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی و دیگر مسؤولیت‌ها به افراد تعلق دارد. بنابراین ایفای این مسؤولیت‌ها بر عهده جامعه مدنی است. اما وضعیت بی‌دولتی در واقع وضعیتی است که دولت اصلا خود را مسؤول یا پاسخگوی مسألات احساس نمی‌داند و مسألات را به حال خود رها می‌کند. در شرایط بی‌دولتی مردم احساس می‌کنند آفتی برای آینده ندارند و امیدوی به حل مشکلات و اجماع قوا برای حل چالش‌ها نیست. جلب اینجاست که رفته رفته‌های لیبرالیستی دولت حداقلی تا میایی آنان‌ریشتی در لیبرالیسم را نیز نشان می‌دهد لیبرال‌های آنان‌ریشت، یک کام فراتر از دولت حداقلی رفته‌اند و از جامعه بدون دولت دفاع می‌کنند؛ اتفاقی که در دولت دوم روحانی تا حد زیادی شاهد آن بودیم. اما نسبت این بحث‌ها با امروز ما چیست؟ آنچه از ادبیات جناب آقای پزشکیان به عنوان دولت نوعی عبور از ایده دولت حداقلی لیبرال‌ها و تجویز نوعی بی‌دولتی است. احاله همه مسألات به نظر کارشناس و میناقرار دادن سیاست‌های کلی نظام بدون آنکه برنامه و شیوه‌ای برای رسیدن به افق‌های آن قابل تصور باشد یا در مورد آن اندیشیده شده باشد، در واقع همان مثال کشتی‌بان اوکشتات را به ذهن متبادر می‌کند. در حالی که وضعیت کنونی ایران و وضع جهانی، استقرار دولت دیگری را در کشور اقتضا می‌کند. اما آیا ممکن است میان دولت حداقلی و وضع بی‌دولتی، حالت سومی از جهت تغییر ساختار و سیستم برای ما پیش بیاید و به سمتی برویم که هم وظایف دولت را مشخص و هم دولت را پاسخگو کنیم؟

ادامه در صفحه ۶